

من آنجا بودم

یک خاطره یک عکس



◄ سعید صابقی

نزدیک آذان ظهر بود. از صبح دانشجویان به خاطر حادثهٔ آبان سال قبل راهپیمایی داشتند و می‌خواستند به سمت دانشگاه تهران حر کت کنند. باران منهم می‌آمد. من در نزدیکی چهارراه فرصت فعلی و خیابان طالقانی بودم؛ نزدیکی یک دکه روزنامه‌فروشی. یکی از مردم به من گفت که دارن از دیوار سفارت بالا میرن. اگر می‌خوای عکس بگیری برو آنجا. رفتم آنجا دیدم که دارن از دیوار سفارت بالا میرن و شروع به عکاسی کردم. عکاسان دیگر هم بودند خصوصاً خود بچه‌های دانشجو که سعید حاجی‌میری، کمال تبریزی، مسچی و ایرج تقی‌پور بودند. من هم سعی کردم به داخل بروم اما نگذاشتند. بچه‌های دانشجو با اینکه من را می‌شناختند اما چون عکس امام به سینه نداشتم و کاپشن مخصوص تنم نبود نگذاشتند به داخل بروم. بعد حدود ساعت ۲ بعدازظهر رفتم به سمت روزنامه جمهوری اسلامی که سردبیر گفت این عکس را در صفحه اول چاپ کنند. دوباره ساعت ۵ بعدازظهر برگشتم. اما بعد از ۴۸ ساعت وقتی حاج‌احمدآقا آمد توانستیم برویم داخل و چند عکس بگیریم.



► بهنام برازجانی

– ما در این صفحه موضوعاتی را بررسی می‌کنیم که مردم علاقه بیشتری دارند و نوعی درک متقابل بین عکاس و مردم ایجاد می‌کند.

نقطه خوبی برای شروع بحث است. اساساً عکس و عکاسی در ایران اشکال دارد. چرا چون برای هیچ کسی توجیه نیست که این کار یعنی چه و مصرف آن چیست و چه کاری قرار است با آن بشود. رقص انقلاب مردم ما را روی دوش‌شان سوار می‌کردند که بتوانیم از زاویه بهتر عکس بگیریم. و همه راه‌ها با می‌شد که بروی یک عکس بگیریم. دیر زمانی نگذشت که همه این‌بفرما، نقرما شد. در زمان انقلاب و جنگ مقامات بین‌ترین استفاده را از کاربرد عکس کردند. عده‌ای از همکاران بودند که به انتشار پوسترها و بروشورهای تبلیغاتی مثلاً برای وزارت ارشاد یا برای جهاد سازندگی کمک می‌کردند.

– در رابطه با جنگ؟

اولیل در رابطه با جنگ. عده‌ای از عکاسانی که بعدها ترک وطن کردند جزء کسانی بودند که کمک می‌کردند این نشریات و کتاب‌ها منتشر شود. شرایط به گونه‌ای شده که حتی اگر فردانیروی انتظامی اطلاعاتی‌ای بدهد و بگوید هیچ کسی با عکاسان کاری نداشته باشد باز بعید نیست یکی پیدا شود که مانع کار شما شود. فرض کنید در جایی مانند در که شما در حال گرفتن عکس از فضایی باز هستید که مردم روی تخت نشسته و کیاب می‌خورند. لابد به‌ای همین مردم کسی هست که فکر می‌کند عکس‌ها چه امار روی را بگیرد. فکر می‌کنند و با این عکس او شناسایی می‌شود و بعدها ممکن است عکس به جایی برسد که او دوست ندارد. این بخشی از ذهنیت مردم است.

خاطرم هست چند سال پیش قرار بود نیروی انتظامی تسهیلاتی برای عکاسان فراهم کند.

–بله قرار بود کاور و کارت بدهند.

هیچ اتفاقی نیفتاد. آمدند انجمن عکاسان بحران را درست کردند. هیچ اتفاقی نیفتاد. زمان جنگ تمام عکاسان جنگ را جمع کردند وعده وعید دادند که به شما کارت مخصوص می‌دهیم، سوار هواپیمای می‌کنیم و… عکس‌های ما را گرفتند. اولین کتاب «جنگ تحمیلی» را منتشر کردند و بعد انگار نه انگار، اصلاً ما از خاطران رفتیم. خیلی از دوستان و عکاسانی که در امورات بودند به ستاد در آن زمان کمک می‌کردند که از تردد عکاسان جلوگیری کنند.

خیلی از عکاسان هم که عکاسی کردند با الان نگانپوهایشان را ندارند یا تحویل جایی که برایشان کار می‌کردند، داده‌اند.

– بله، آرشپو بسیار بزرگی در خبرگزاری ایرنا و بنیاد حفظ آثار وجود دارد که هیچ دسته‌بندی و استفاده خاصی از آن نمی‌شود.

اینها به چه درد می‌خورد؟

– منظورم تأیید حرف فاشست.

فرض کنید دسته‌بندی شده بود به چه دردی می‌خورد؟

–منظورم استفاده از آنهاست. دیگری که قرار است از این عکس‌ها استفاده شود؟

یکی از اشکالات عکاسی ایران این است. مخصوصاً الان اغلب جوان‌ها فکر می‌کنند بقی‌ای دوران کاری یا بقی‌ای آنها در عکاسی این است که به جایی متصل باشند یا می‌روند در مسابقه‌های بی‌کیفیت شرکت می‌کنند. در سال چند فراخوان داده می‌شود؟

– ۱۵ یا ۱۶ تا.

اینها اصلاًچه کسی هستند که این کارها را می‌کنند. الان اغلب جوان‌ها چون فکر می‌کنند حالا عکسی ۵۰ هزار تومان می‌دهند و عکس‌شان را هم در نمایشگاه نشان می‌دهند و در کتاب هم چاپ می‌کنند یا شوق و ذوق می‌وند شرکت می‌کنند. در حقیقت اینها کسانی هستند که بودجه‌ای را از ارگان مربوطه‌شان گرفته‌اند، از پنده و شما دعوت می‌کنند که بباییم شرکت کنیم. وقتی هم که ما عکس مان را به اینها دادیم اینها دیگر هر کاری دل‌شان خواست می‌توانند با این عکس‌ها بکنند و در بروشور، کتاب و هر جایی چاپ کنند. اصلاً

گفت‌وگویی درباره عکاسی مطبوعاتی در کشور با کاوه کاظمی



گفت‌وگویی درباره عکاسی مطبوعاتی در کشور با کاوه کاظمی

عکاس باید مستقل باشد

پوشش وقایع بودند.

–این ویژگی برای تایم چه دستاوردی دارد؟

این طرز صحیح پوشش تصویری است. برای خوانندگان‌شان ارزش قائل هستند که در کنار مطالبی که تهیه می‌کنند عکس‌اشر را هم منتشر می‌کنند. مثلاً در خبر زندان ابوغریب اگر آن عکس‌ها درز پیدا نکرده بود هر کسی چه تصویری درباره ابوغریب داشت و مردم فکر می‌کردند ابوغریب چه جور جایی است. هر چقدر هم حالا بگویی شکنجه می‌کردند و چه و چه می‌کردند ولی وقتی با آن وضع فضاحت‌بار زندانی‌های بدبخت را با کلاهخود که برق به آن وصل شده یا کسی سگ را روی آن انداخته در عکس دیده می‌شود این گونه موثر است.

اگر به فکر بیفتم مجبور می‌شویم در مطبوعات از عکس به طرز صحیح استفاده کنیم.

نکته دیگر این است که الان اگر عکاسی بخواهد مثلاً از گدا در خیابان عکس بگیرد چندین نفر مزاحم وی می‌شوند. چرا؟ آن آقا که جلوی ما نشسته است هم در حال تماشای او هستیم و هم در حال دیند او. چرا دیگران با عکس عکاس نباید ببینند. یا اگر بد است باید او را جمع کنند تا نباشد. ولی اگر این وضعیت هست باید فکری به حال آن شود و عکس عکاس حرفش این است که فکری به حال این وضعیت کنید. –به نظر شما اگر روزنامه‌ها برای عکس ارزش قائل شوند در مخاطب هم استقبال برای این موضوع ایجاد می‌شود؟

من مطمئن هستم حتماً استقبال نشان می‌دهند. بعضی عکس‌ها پارادوکس‌هایی به وجود می‌آید مثلاً راجع به یک موضوع اتفاقات متفاوت می‌افتد. در رابطه با همین معتادان سال‌ها پیش حجت سیپهوند عکس‌های بسیار تأثیر گذاری از معتادان گرفت و حتی در مترو هم عکس‌هایش را بزرگ به دیوار زدند، اما الان شاید دیگر امکان چنین حر کتی نباشد، چرا؟ عکاسان موقعیت‌شناس نیستند یا تعارض در ساختار و تصمیم‌گیری‌هاست؟

من در این مملکت زندگی می‌کنم. عکاس باید شاهد عینی و بی‌طرف باشد. من مشاهده‌ام را با یک عکس ثبت می‌کنم، البته آن طور که می‌بینم. حالا اگر کسی بخواهد نظر بدهد که چرا این گونه دیدی یا آن گونه ندیدی، این صحیح نیست. برای عکاس نباید محدودیت ایجاد شود و او باید بتواند وقایع اطراف را ثبت کند.

–محدودیت‌هایی که در موضوعات سیاسی است در موضوعات اجتماعی نیست، چرا مطبوعات و عکاسان مطبوعاتی سراغ این موضوعات نمی‌روند؛ مثلاً ترافیک؟ اصلاً شما بگویید چرا معضل ترافیک را حل نمی‌کنند.

فرض کنید مسوولان این موضوع را برجسته کنند.

باید مسوول عکاس یعنی دبیر عکس از او بخواهد که او برود از این موضوع عکس بگیرد. خود عکاس که تصمیم‌گیر نیست تازه بعد باید عکس‌ها را برد برای آقای سردبیر. بعد او هم بنا به مصالح روزنامه خود و وضعیت کشور عمل کند.

–پس همه تقصیر‌ها گردن ساختار نیست. بخشی هم قصور خود اهالی رسانه است.

از نظر من تقصیر از ارباب جراید است. اینجا ولی

سردبیر یا ناشر روزنامه وابستگی دارد با ارتباطات

سیاسی خاص دارد و طبق منافع و مصالح خودش

عمل می‌کند. شما می‌توانید در کنار روزنامه‌تان

هفته‌ای یک بار وبژنه‌نامه عکس چاپ کنید. حتما در

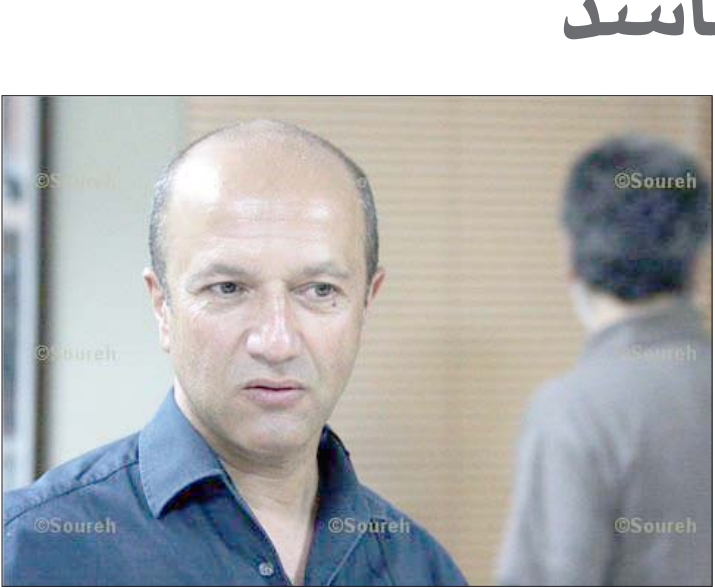
فروش روزنامه تأثیر می‌گذارد.

– به نظر شما فروش بیشتر می‌شود؟

حتماً می‌شود. توجه کنید که اگر این اتفاق نیفتد

بسیار بد است. الان در تهران چندصد عکاس داریم.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۰ ■ یکشنبه ۹ آبان ۱۳۸۹



عکاسان مهیا کنند فعلاً خوب است.

اصلاً نباید عکس‌های معمولی روزانه بگیرند چون خبر‌گزاری‌هایی مانند ایرنا یا ایسنا و… این عکس‌ها را منتشر می‌کنند. الان یک آمار بگیرید، که در ماه

عکاسان «شرق» چقدر عکس می‌گیرند، چند برنامه

عکاسی می‌روند و چند هزار فریم عکس می‌گیرند و

چند عدد از این عکس‌ها چاپ می‌شود.

–قطعاً درصد بسیار کمی است.

خب چرا این کار را می‌کنند، چرا انرژی را روی خوب صدها دلار خرج می‌کنند در اینجا که قیمت

بکشیبه اتفاق نمی‌افتد.

–خب بعضی عکاسان این تمایل را در روزنامه‌هایشان ابراز می‌کنند.

پس سردبیر گوش شنوا ندارد و در سیستم فکری

او یک نکته یا مشکل برای این کار وجود دارد.

–عکاسان چه وظیفه‌ای دارند یا باید چقدر تلاش

کنند که مطبوعات را به این سمت سوق دهند؟

مناسفانه در سال‌های اخیر کسی نتوانسته این کار را بکند. چرا، چون در داخل بازاری وجود ندارد. تا موقعی که باید برنامه پوشش‌دهی و عین مد روز خیلی

سیستماتیک به برنامه بروی هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.

–هرای تغییر به نظر شما باید تغییر استفاده از

عکس از عکس‌های کنار مطالب شروع شود یا

اینکه عکس‌ها مستقل باید منتشر شوند؟

هر دو. وقتی خبرنگاری را مثلاً می‌فرستید از بورس

یا بازار ارز یا صنایع نفتی خبر تهیه کند باید عکاس

همراهش باشد. وقتی چاپ شود، کاوه کاظمی/شرق،

این خیلی وجهه بهتری دارد تا اینکه عکسی چاپ

شود که اصلاً معلوم نیست چه عکاسی آن را گرفته

و بعدها هم مدعی پیدا شود که عکس بدون اجازه

چاپ شده است.

–عکاس نباید مستقل گزارش خود را کار کند؟

اینجا تفاوت عکاس مطبوعات و عکاس خبری

معلوم می‌شود. عکاس باید ضمن اینکه عکس‌های

مربوط به گزارش خبرنگار را تهیه کند اگر فضای

کاری و محیط گزارش اجازه داد باید داستان خودش

را هم کار کند.

–وظیفه مطبوعات در این مورد چیست؟

تمام سردبیران و اهالی مطبوعات باید فکری کنند

حالا جمعی یا تکی. باید انجام دهند. گمان نکنید کاری

سیستماتیک هم هست، نه زمان می‌برد تا جا بیفتد.

اصلاً شما شروع کنید.

– یعنی روزنامه‌هایی که از عکس خوب استفاده

می‌کنند سردبیران‌شان متحول شده‌اند؟

نه، آنها هم روش‌شان موقتی است. وقتی مثلاً

همین «شرق» عکس زلزله یا وبژنه‌نامه عکس زلزله

چاپ می‌کند در اصل نان را به نرخ روز می‌خورد. اگر

راست می‌گویید در تمام طول سال این کار را بکنند. هر

روز جدول دارند اما مثلاً عکس ندارند.

◄ نقش پلاک

◄ رابرت گایا- ترجمه: سولماز حدادیان

کمی مبهم

دیگر صبح‌ها هیچ انگیزه‌ای برای بیدار شدن نداشتم. استودیوی من در طبقه بالای یک ساختمان کوچک سه‌طبقه در خیابان نهم قرار داشت، با نور آسمان در بالای سر، یک تختخواب بزرگ در کنج اتاق و یک تلفن روی زمین. هیچ وسیله دیگری نداشتم، حتی یک ساعت.

نور بیدارم کرد. نمی‌دانستم چه ساعتی است و اصلاً هم برایم اهمیتی نداشت. دار و ندارم یک سکه پنج سنتی بود. خیال تکان خوردن نداشتم، مگر آنکه تلفن زنگ می‌زد و کسی چیزی بهم پیشنهاد می‌کرد، چیزی مثل دعوت به ناهار، کار یا حتی یک وام. اما انگار تلفن خیال زنگ زدن نداشت. شکم خالی‌ام شروع کرد به سر و صدا. فهمیدم تلاش برای خوابیدن بی‌فایده است. چرخیدم و دیدم زن صاحبخانه سه‌نامه از زیر در به داخل فرستاده. چند هفته گذشته، تنها نامه‌ای که دستم می‌رسید از شرکت برق و مخابرات بود. پس حس کنجکاوی محتویات نامه سوم از جا بلندم کرد. مثل همیشه یکی از نامه‌ها از شرکت برق بود. نامه دوم از وزارت دادگستری بود که اظهار می‌کرد من، یعنی رابرت گایا، مجارستانی سابق و بی‌هویت امروز، به این وسیله عامل بالقوه دشمن شناخته شدم‌ام و در نتیجه باید دوربین‌های عکاسی، دوربین‌های دوچشمی و اسلحه‌های گرم خود را تحویل بدهم- و اگر بخواهم از ۱۰ مایلی نیویورک آن طرف‌تر بروم، باید مجوز خروج بگیرم. نامه سوم از سردبیر عکس مجله کولیرز بود و نوشته بود کولیرز بعد از دو ماه سبک و سنگین کردن مجموعه عکس‌هایم یکدفعه متوجه شده من یک عکاس جنگ فوق‌العاده‌ام و خیلی خوشحال می‌شوند اگر بپذیرم و به یک ماموریت عکاسی بروم و یک قایق رزرو کرده‌ان تا در ۴۸ ساعت من را به انگلستان برساند.

ضمیمه آن هم یک چک ۱۵۰۰ دلاری به عنوان پیش‌پرداخت بود. مشکل جالبی بود. اگر یک ماشین تحریر داشتم و آدم باشخصیتی بودم، به کولیرز نامه می‌نوشتتم و می‌گفتم عامل بالقوه دشمنم هستم و به نیوجرسی هم نمی‌توانم بروم چه برسد به انگلستان، و تنها جایی که می‌توانم دست به دوربین‌هایم بزنم در خزانه اموال دشمن در ساختمان شهرداری است.

خب ماشین تحریر نداشتم، اما در جیبم یک سکه پنج سنتی داشتم. تصمیم گرفتم شیر یا خط ببندازم. گفتم اگر شیر آمد، دلم را به دریا می‌زنم و به انگلستان می‌روم. اگر خط آمد، چک را پس می‌فرستم و شرایطم را برای کولیرز توضیح می‌دهم.

سکه را انداختم. خط آمد! بعدش به خودم گفتم نمی‌شود با یک سکه پنج سنتی آینده‌ام را انتخاب کنم و گفتم بهتر است چک را نگه دارم و نقدش کنم و گفتم شاید بد نباشد به انگلستان بروم. اما مطمئن نبودم. با آن سکه پنج سنتی سوار مترو شدم و خودم را به بانک رساندم. چک را نقد کردم و در رستوران جانسن، چسبیده به بانک، صبحانه مفصلی نوش جان کردم که دو دلار و نیم برایم آب خورد. حالا دیگر نمی‌توانستم با ۱۴۹۷/۵۰ دلار به دفتر کولیرز بروم و بگویم ماموریت‌تان را قبول نمی‌کنم.

◄ آلمویشی

تمیز کردن دوربین

اگر عکس‌هایتان همواره مات و محو می‌افتند ممکن است به این معنا باشد که لنز دوربین‌تان را باید پاک کنید. اکثر دوربین‌های دیجیتال که سیستم SLR یا دارای لنز هستند امکان افزودن یک فیلتر فرابنفش (UV) را دارند که نه‌تنها لنز را در برابر کثیفی، بلکه از خراش هم محافظت می‌کند. اما دوربین‌های ارزان‌تر و در اصل دوربین‌های کامپکت غالباً این ویژگی را ندارند، پس به یاد داشته باشید تا لنز آن را در مواقعی که استفاده نمی‌کنید بپوشانید و هرگز آن را لمس نکنید. بیش از حد لنز دوربین را تمیز نکنید. بسته به فاصله زمانی استفاده شما از دوربین، هر چند هفته یا چند ماه یک بار مناسب است. برای تمیز کردن لنز، کیت مخصوص پاک کردن لنز را برداشته و با استفاده از برس لنز هرگونه ذرات چسبیده را از سطح لنز پاک کنید. کمی مایع پاک‌کننده لنز را روی پارچه مخصوص بریزید و با حرکت دادن دایره‌وار روی لنز، آن را تمیز کنید. با استفاده از یک نمده هوا لنز را خشک کنید یا بگذارید به طور طبیعی خشک شود. از هرگونه ماده ساینده همچون صابون یا محکم تمیز کردن لنز مانند تمیز کردن بدنه دوربین خودداری کنید. حتی از دستمال‌های غیراستاندارد استفاده نکنید. مراقب باشید با تمیز کردن مداوم در یک جهت روی لنز لک نیندازید. حرکت دایره‌وار را از بالا به پایین یا به طرفین تغییر دهید. برای تمیز کردن دوربین اگر از کیت مخصوص استفاده نمی‌کنید حتماً از دستمال مخصوص آن استفاده کنید. این دستمال را به راحتی می‌توانید از فروشگاه‌های عکاسی تهیه کنید.

اگر می‌توانید لنزهای دوربین‌تان را تعویض کنید، اطمینان حاصل کنید که دوربین خاموش باشد و در محیطی بدون گرد و غبار باشید که اگر روی حسگر(CCD) تصویرتان گردی بنشیند، آن لک یا نقطه سیاه در تمام عکس‌هایتان نشان خواهد داد. حسگر دوربین‌تان پشت لنز و آینه انعکاسی دوربین قرار دارد. برای این کار اگر از وسایل مخصوص استفاده می‌کنید باید دوربین‌تان را به سرعت bulbe قرار دهید و لنز دوربین را باز کنید، سپس دکمه شاتر را فشار داده و نگه دارید. البته قبل از فشار دادن دکمه کف دست‌تان را روی دهانه جایی که لنز متصل می‌شود گذاشته. چند ثانیه بعد از فشار دادن دکمه شاتر دست‌تان را بردارید، حسگر را خواهید دید. با قلم‌هوی مخصوص آن را پاک کنید و جرم‌های چسبیده به آن را به خارج هدایت کنید. دقت کنید که اصلاً نباید با باد یا فوت دهسان این‌س کار را انجام دهید چون جرم‌ها باید به بیرون بیایند اما با فوت کردن ممکن است از روی حسگر به جاهای دیگر تداوم که به دست‌رسی به آن نیست بروند. مکنده‌های مخصوصی برای این کار وجود دارد ترجیحاً از آن استفاده کنید. از دیگر اجزای دوربین‌تان هم محافظت کنید، خصوصاً از محفظه‌های کارت‌حافظه و باتری. هرگز چیز دیگری را در این محفظه کارت‌حافظه وارد نکنید زیرا ممکن است باعث شکستن پین‌های کوچک آن شود. برای تمیز ماندن بهتر است همواره یک کارت حافظه را داخلش بگذارید یا دست‌کم کاور آن را ببندید.

◄ گنجی

«کارگران» کاوه گلستان به نمایش درمی‌آید

برای نخستین‌بار مجموعه عکس‌های کاوه گلستان با موضوع «کارگران» متعلق به مجموعه شخصی همسرش، به نمایش گذاشته می‌شود. به گزارش مهر کتابون دده‌چمنی مدیر گراخانه ۶ در مورد نمایش مجموعه عکس‌های کاوه گلستان با نام «کارگران» گفت: بعد از اتمام نمایشگاه تداوم که به عکس‌های «همه‌های ۴۰ و ۵۰ برمی‌گردد، قصد داریم برای اولین بار مجموعه‌ای از عکس‌های کاوه گلستان را که تا به حال نمایش داده نشده‌اند، نشان دهیم. وی افزود: این مجموعه بیش از ۳۰ سال قبل توسط گلستان تهیه شد و اکنون به وسیله همسرش هنگامه گلستان نگهداری می‌شود. ما ۳۰ عکس را برای نمایشگاه انتخاب کردیم، نمایشگاه انفرادی مجموعه عکس‌های کارگران کاوه گلستان از ۱۴ آبان در نگارخانه ۶ به نشانی خیابان خردمند شمالی، کوچه جبهه‌هم، پلاک ۶ برگزار می‌شود. گلستان فعالیت خود را از حدود سال ۱۳۴۸ به عنوان عکاس آغاز کرد. گلستان در ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ هنگام انجام ماموریت تصویربرداری برای شبکه خبری بی‌بی‌سی از جنگ در عراق بر اثر انفجار مین کشته شد.

◄ گلاری

نام‌نمایشگاه	عکاس	نام گالری	ساعت	اختتامیه
طبیعت و معماری	نمایشگاه گروهی	خانه عکاسان ایران	۹الی ۱۹	۱۹ آبان
متربک	علی دقیق	راه ابریشم	۱۱الی ۱۹	۱۳ آبان
داغ	بهروز مهری	مهروا	۱۷الی ۳۱	۱۲ آبان
بدون عنوان	رضا میلالی	سیحون	۱۰الی ۱۸	۱۹ آبان
ایران من از نگاه برکامف	ایوانویچ برکامف	موزه عکسخانه شهر	۹الی ۱۷	۲۰ آبان
سن اندریاس	مصطفوی کاشانی	محسن	۱۰الی ۱۸	۲۰ آبان